

بیسمارک و حزب کارگران آلمان

مطبوعات طبقه متوسط انگلستان اخیراً درباره فجایعی که بیسمارک و عمال وی نسبت به اعضای حزب سوسیال دمکراتیک کارگران آلمان روا داشته اند، سکوت اختیار کرده اند. در این مورد تنها استثناء، و آن هم تا حدودی، روزنامه دیلی نیوز¹ بوده است. سابق بر این، وقتی حکومت‌های استبدادی کشورهای دیگر نسبت به اتباع خود دست به چنین اعمال وحشیانه ای می زدند، اعتراض روزنامه ها و هفته نامه های انگلستان واقعاً بلند می شد. اما در این مورد بخصوص، که مظلومین کارگرند - و به کارگر بودنشان افتخار می کنند - مطبوعات نماینده «جامعه» و «ده تایی بالا» واقعیات را کتمان می کنند و چنین به نظر می آید که با پایداری در سکوت خود، این اعمال را تأیید می کنند. واقعاً که کارگر را چه به سیاست؟ باید کارهای سیاسی را به «مافوقشان» محول کنند! و دلیل دیگری نیز برای سکوت مطبوعات انگلیسی وجود دارد: حمله به قانون اضطراری بیسمارک (1) و شیوه های اجرای آن و در عین حال از شیوه های اضطراری آقای فورستر² در ایرلند (2) دفاع کردن، کار دشواریست. این مسئله بسیار حساسی است و نباید روی آن دست گذاشت. از مطبوعات طبقه متوسط به زحمت می توان انتظار داشت که به میزان سقوط موقعیت اخلاقی انگلستان در اروپا و آمریکا، که منبعث از سیاست دولت کنونی در قبال ایرلند است، اشاره کنند.

هر بار که انتخابات عمومی صورت گرفته، حزب کارگران آلمان تعداد بیشتری رأی به دست آورده است؛ در انتخابات ماقبل آخری 500 هزار نفر و در انتخابات گذشته 600 هزار نفر به کاندیداهای این حزب رأی دادند (3). در برلین دو نفر و در البرفلد بارمن³، در زدن⁴ و برسلا⁵ هر کدام یک نفر نماینده از این حزب انتخاب شدند. با وجود ائتلاف دولت با تمام احزاب لیبرال، محافظه کار و کاتولیک، با وجود فریادهائی که بخاطر دو بار سوء قصد نسبت به جان امپراطور کشیده می شد (4) و تمام احزاب متفقاً مسئولیت این سوء قصدها را به گردن حزب کارگران انداخته بودند، با وجود همه اینها حزب کارگران ده کرسی به دست آورد. اما بعد بیسمارک موفق شد قانونی را که سوسیال دمکراسی را غیرقانونی می ساخت، به تصویب برساند. مطبوعات کارگری، که تعدادشان به 50 می رسید، توقیف شدند، به انجمنها و کلوبهای کارگران حمله شد، پس اندازهای آنها توقیف شدند، جلسات آنها توسط طرف پلیس به هم خورد، و بدتر از همه، بر اساس این قانون، میسر بود که درست مثل ایرلند، شهرها یا بخش ها را مشمول شرایط اضطراری «اعلام نماید».

اما آنچه را که حتی قوانین اضطراری انگلستان (5) هم جرأت نکردند در مورد ایرلند روا بدارند، بیسمارک در آلمان انجام داد. [بر اساس این قانون مصوبه در آلمان] در هر بخشی که مشمول شرایط اضطراری «اعلام می شد»، پلیس اجازه می یافت افرادی را که به عنوان اشاعه سوسیالیسم مورد «ظن قوی» آنها قرار می گرفتند، تبعید کند. البته به مجرد تصویب این قانون،

Daily News -1

Forster وزیر کشور در امور ایرلند بود.

Elberfeld – Barmen -3

Dresden -4

Breslau -5

شهر برلین مشمول شرایط اضطراری اعلام شد و صدها نفر (با خانواده هایشان هزاران نفر) تبعید شدند. پلیس پروس همیشه مردهای متأهل را تبعید می کند. به جوانان عذب کاری ندارد، چون تبعید برای آنها تنبیه بزرگی نیست. اما برای سران خانواده ها، تبعید، اگر فلاکت محض نباشد، به معنی یک دوران طولانی مشقت است. بعد از آن شهر هامبورگ یک کارگر را برای نمایندگی پارلمان انتخاب کرد (6) و بلافاصله مشمول شرایط اضطراری شد. اولین دسته تبعیدیان از هامبورگ تقریباً صد نفر بودند، که با خانواده هایشان تقریباً سیصد نفر می شدند. حزب کارگران توانست در عرض دو روز مخارج سفر و سایر احتیاجات فوری آنها را تأمین کند. حالا هم شهر لایپزیگ مشمول شرایط اضطراری اعلام شده (7) و آن هم بدون هیچ دلیلی، جز اینکه در غیر این صورت دولت موفق نمی شود سازمان حزب را متلاشی کند. تبعیدیهای همان روز اول 33 نفر و اکثراً متأهل بودند. سه نماینده پارلمان آلمان در صدر لیست تبعیدیان قرار دارند؛ شاید آقای دیلون⁶ یک نامه تبریک برای آنها بفرستد، چرا که وضع آنها هنوز به بدی او نیست. (8)

ولی این همه داستان نیست. از زمانی که حزب کارگران غیرقانونی شد و اعضای آن از تمام آن حقوقی که بر سایر آلمانی ها فرض است محروم گشتند، پلیس اجازه یافت که هر طور که بخواهد با اعضای حزب رفتار نماید. همسران و دختران اعضای حزب، تحت عنوان تفتیش نشریات ممنوعه، مورد شرم آورترین و وحشیانه ترین رفتار قرار می گیرند. اعضای حزب به دلخواه پلیس دستگیر می شوند، دادگاهشان هفته ها به تأخیر می افتد، و فقط پس از تحمل ماهها زندان آزاد می شوند. قوانین جزا را در مورد آنها بیش از حد کش می دهند و جرائمی که در این قوانین نیستند، از سوی پلیس اختراع می شوند. پلیس اغلب دادستانها و قضاتی را پیدا می کند که به اندازه کافی فاسد و یا متعصب باشند که در اجرای مقاصدشان به آنها یاری و مدد دهند. این قیمت ترفیع مقام است! ارقام زیر نشان می دهند که نتیجه این اقدامات چیست. در فاصله بین اکتبر 1879 تا اکتبر 1880، تنها در پروس، بیش از 1108 نفر به اتهاماتی از قبیل خیانت بزرگ، خیانت جنائی، توهین به امپراطور و غیره بازداشت شدند و بیش از 10094 نفر به اتهاماتی از قبیل اهانت سیاسی، توهین به بیسمارک، بی حرمتی به دولت و نظائر آن به زندان افتادند. جمعاً یازده هزار و دویست و دو زندانی، این حتی از عملکرد آقای فورستر در ایرلند نیز پیشی می گیرد!

و با تمام این فجایع، بیسمارک چه کاری توانسته انجام دهد؟ موفقیت ایشان هم درست به اندازه موفقیت آقای فورستر در ایرلند بوده است. حزب سوسیال دمکرات، درست مثل انجمن ارضی ایرلند (9)، سازمانی است مستحکم و در حال شکوفائی بیشتر. چند روز پیش انتخابات شورای شهر مانهایم برگزار شد. حزب طبقه کارگر 16 کاندید معرفی کرد و همه آنها با اکثریت قریب به سه بر یک پیروز شدند. بیل⁷ عضو پارلمان از شهر دزدن، باز هم از بخش لایپزیگ کاندید نمایندگی در پارلمان ساکسون شد. بیل یک کارگر (تراشکار) و اگر نگوییم بهترین ناطق، بطور قطع یکی از بهترین ناطقین آلمان است. دولت برای جلوگیری از انتخاب وی تمام کمیته او را تبعید کرد. نتیجه این کار چه شد؟ حتی با محدود کردن رأی دهندگان، بیل با اکثریتی بزرگ انتخاب شد. بنابراین «شرایط اضطراری» هم بیسمارک را بجائی نمی رساند، و برعکس، مردم را خشمگین می کند. کسانی که تمام راههای قانونی دفاع از حقوق خود را مسدود می

یابند، در یک فرصت مناسب به راههای غیرقانونی متوسل می شوند، و هیچ کس نمی تواند آنها را سرزنش کند. چند بار خود آقایان گلدستون و فورستر این دکترین را اظهار کرده اند؟ و خودشان امروز در ایرلند چطور عمل می کنند؟

نوشته شده توسط فردریش انگلس
23 ژوئیه 1881
شماره 12 نشریه لابر استاندارد

توضیحات

1- قانون استثنائی علیه سوسیالیستها - قانون علیه اهداف خطرناک و مضر سوسیال دمکراسی توسط دولت بیسمارک ارائه شد و در 21 اکتبر 1878 مورد حمایت اکثریت نمایندگان رایشتاگ قرار گرفت تا به وسیله آن با جنبش سوسیالیستی و کارگری مقابله شود. این قانون که به عنوان قانون ضد سوسیالیست شناخته می شد، حزب سوسیال دمکرات آلمان را غیرقانونی می ساخت، تمام سازمانهای حزبی و سازمانهای توده ای کارگری، مطبوعات سوسیالیستی و کارگری را غیرقانونی اعلام می کرد. بر اساس این قانون مطبوعات سوسیالیستی توقیف شدند و محدودیتهایی علیه سوسیال دمکراتها اعمال شد. با این وجود در دوران اعمال این قانون، حزب سوسیال دمکرات موفق شد با همکاری مارکس و انگلس عناصر اپورتونیست و «مافوق چپ» را ریشه کن کند و با تلفیق ماهرانه کار قانونی و غیرقانونی، نفوذ خود را در میان مردم وسعت و قدرت بخشد. تحت فشار جنبش توده ای کارگری، قانون ضد سوسیالیست در اول اکتبر 1890 لغو شد.

2- اجرای قانون زمین در ایرلند با مقاومت از سوی بخشی از اجاره نشینان ایرلندی مواجه شد. با استفاده از قانون اضطراری تصویب شده در مارس 1881، فورستر اقدامات فوق العاده ای را با فرستادن سربازان به ایرلند جهت بیرون راندن اجاره نشینانی که از پرداخت اجاره امتناع می کردند، اجرا کرد.

3- اشاره انگلس به انتخابات رایشتاگ در 10 ژانویه 1877 و 30 ژوئیه 1878 است.

4- مقصود سوء قصد به جان ویلهلم اول در 11 مه 1878 توسط امیل هودل که قبلا از انجمن سوسیال دمکرات لایپزیگ اخراج شده بود و سوء قصد توسط یک آنارشیست آلمانی کارل ادوارد نوبیلینگ در 2 ژوئن که هیچ گاه عضو حزب سوسیال دمکرات آلمان نبود است. این حوادث منجر به کمپین کینه توزانه ای علیه سوسیالیستها شد و بهانه ای برای اعلام قانون ضد سوسیالیست در اکتبر 1878 بودند.

5- قوانین اضطراری در طول قرن نوزدهم چندین بار توسط پارلمان انگلیس به تصویب رسیدند. هدف آنها سرکوب جنبش انقلابی و آزادیخواه ملی در ایرلند بود. بر طبق آنها حالت محاصره در مورد اراضی ایرلند اعمال می شد و مقامات دولتی اختیارات فوق العاده ای کسب می کردند.

6- در 27 آوریل 1880 جورج ویلهلم هارتمان در انتخابات تکمیلی رایشتاگ در منطقه دوم هامبورگ پیروز شد. از 9 سپتامبر 1879 تا 15 ژوئن 1881، نمایندگان حزب سوسیال

دمکرات در رایشتاگ عبارت بودند از: آگوست بیل، ویلهلم براهه، فردریش ویلهلم فریتزچه، ویلهلم هاسلمان، ماکس کایسر، ویلهلم لیبکنخت، کلاوس پیتر ریندرز، جولوس واهلتریش و فیلیپ ویمر. بعد از فوت براهه و ریندرز، کرسی های آنان به ایگناز آور و ویلهلم هاسنکلور واگذار شدند.

7- در 27 ژوئن 1881 شهر لایپزیگ مشمول شرایط اضطراری اعلام شد. قبل از آن همین وضع در برلین در 28 اکتبر 1880، در هامبورگ - آلتونا و حومه آن اعلام شده بود.

8- با استفاده از قوانین اضطراری در مه - اکتبر 1881 مقامات دولتی انگلیس نمایندگان برجسته ایرلندی، اعضای انجمن ملی ارضی ایرلند که توسط چارلز پارنل رهبری می شد و با قانون زمین 1881 مخالف بود را دستگیر کردند. یکی از زندانیان جان دیلون، رهبر سیاسی ایرلندی، نماینده پارلمان انگلیس و یکی از رهبران انجمن بود.

9- **انجمن ملی ارضی ایرلند** (Irish National Land League) یک سازمان توده ای بود که در سال 1879 توسط یک خرده بورژوازی دمکرات به نام مایکل داویت (Michael Davitt) تأسیس شد. این سازمان بخشهای وسیعی از دهقانان و تهیدستان شهری ایرلند را دربر می گرفت و مورد حمایت عناصر پیشروی بورژوازی بود. خواسته های ارضی این جامعه، تجلی اعتراض خودانگیخته مردم ایرلند علیه ستم زمینداران و ستم ملی بود. با این حال رهبران انجمن موضع متناقضی را اتخاذ کردند و این مورد استفاده بورژوا ناسیونالیست ها (پارنل و دیگران) قرار گرفت که می خواستند فعالیتهای انجمن را به کمپینی برای به دست آوردن یک خودمختاری محدود در چارچوب امپراطوری بریتانیا تبدیل کنند. آنان از خواست الغاء زمینداری انگلیسی، که توسط دمکراتهای انقلابی ارائه می شد حمایت نمی کردند. در 1881 انجمن ارضی غیرقانونی اعلام شد ولی در حقیقت فعالیت خود را تا اواخر دهه 1880 ادامه داد.